شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۲شنبه

سال شانزدهم
۱۹ شهریور ۱۴۰۳
۵ ربیع الاول ۱۴۴۶
شماره ۴۳۰۵

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
● نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
● روابط عمومی: ۰۵۱ -۳۸۴۸۳۷۵۲
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹



دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۲۶٪

۲۷° ↑ ۱۲° ↓

صبح ۱۶ | ظهر ۲۸ | عصر ۲۲ | شب ۲۶

اوقات شرعی مشهد

● اذان ظهر ۱۱:۲۸:۴۱ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۴۵:۳۳
● غروب آفتاب ۱۷:۴۷:۳۸ ● اذان صبح فردا ۰۳:۴۴:۲۶
● اذان مغرب ۱۸:۰۶:۰۱ ● طلوع آفتاب فردا ۰۵:۱۰:۳۱

کارتون شهر



برخی از خودروهای خارجی در نمایندگی و بازار آزاد بین ۳۴ تا ۶۴۰ میلیون تومان اختلاف قیمت دارند.

رضا جنگی

استوری گرام

حکایت خشم آنی و کره ارگانیک



امید مهدی نژاد
شاعر و نویسنده

در روزگاران قدیم (نه خیلی قدیم، همین نرسیده به دو قدم مانده به حال) مهندس جوانی که پس از فارغ التحصیلی و گذراندن دوره خدمت در یک شرکت مهندسی دانش‌بنیان استخدام شده بود، درپی ورشکستگی شرکت، که به نوبه خود در پی نوسانات نرخ ارز و عدم حمایت شایسته متولیان امر از شرکت‌های دانش‌بنیان و مهم‌تر از همه خود بی‌بنیانی شرکت‌های دانش‌بنیان اتفاق افتاد، از کار بیکار شد و پس از آنکه مدتی به‌عنوان راننده در یکی از تاکسی‌های اینترنتی کار کرد، تصمیم گرفت با همکاری همسرش یک کسب‌وکار خانگی راه‌اندازی کند و از این طریق به امرار معاش بپردازند. مهندس و همسرش پس از تحقیقات و جست‌وجوهای فراوان به این نتیجه رسیدند که حوزه مواد غذایی علی‌الخصوص لبنیات و سبک زندگی سالم و ارگانیک، از مناسب‌ترین حوزه‌ها برای راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی است. در نتیجه به کار کره گرفتن از ماست روی آوردند. مهندس هر روز مقدار زیادی ماست محلی تهیه می‌کرد و به همراه همسرش از ماست کره می‌گرفتند و کره‌ها را در قالب توپ‌های یک کیلویی به سوپرمارکت دریانی که از سوپرمارکت‌های موفق محل بود می‌فروختند. دریانی نیز کره‌ها را به دو برابر قیمتی که از مهندس خریده بود به‌عنوان کره محلی ارگانیک به فروش می‌رساند. روزی دریانی بر حسب اتفاق یکی از توپ‌های کره را که از مهندس خریده بود وزن کرد و متوجه شد توپ کره به‌جای یک کیلو، نهصد گرم است. ساعتی بعد وقتی مهندس برای فروش کره‌های جدید به مغازه دریانی مراجعه کرد، دریانی به او گفت: مهندس، تو از اعتماد من سوءاستفاده کردی، در حالی که وزن کره‌ها نهصد گرم است. مهندس گفت: ای مرد دریانی، ما یک ترازوی کفه‌ای داریم، اما وزنه یک کیلویی نداریم. دریانی گفت: پس با چی وزن می‌کنید؟ مهندس گفت: یک بار از تو یک کیلو لوبیا چشم‌بلبلی خریدیم و از همان به‌عنوان وزنه استفاده می‌کنیم. وی سپس افزود: ای کلک، تو خودت کم‌فروش هستی و ما را به کم‌فروشی متهم می‌کنی؟ دریانی که با معلوم شدن کم‌فروشی‌اش ضایع شده بود سرش را به زیر انداخت.

مهندس وقتی فرق کله دریانی را که کچل بود مشاهده کرد، در اثر خشم آنی ناشی از تهمتی که دریانی به وی زده بود (در حالی که دریانی خودش آن کاره بود) یکی از کره‌ها را برداشت و به کله دریانی کوبید و از آنجا که کره خیلی سفت و ارگانیک بود، کله دریانی شکست.

هم‌اکنون دریانی در بخش آی‌سی‌یوی بیمارستان بستری است و به عاقبت کم‌فروشی می‌اندیشد و مهندس در کلانتری در بازداشت است و تصمیم گرفته است وقتی آزاد شد یک پیج و کانال فروش لبنیات ارگانیک راه بیندازد و نیز با استفاده از روش‌های کنترل خشم و خشم‌های آنی آنی خود را کنترل کند.

اول شخص

او ابوذر زمانه بود

یادی از مرحوم آیت‌ا... سید محمود طالقانی، یکی از چهره‌های مبارز انقلاب اسلامی که در ۱۹شهریور ۱۳۵۸ درگذشت



آزاده چشمه‌سنگی
نویسنده

یکم/ مسجد هدایت

مسجد که نه! در اصل تکیه‌ای بود که محرم به محرم دسته‌های عزاداری می‌آمدند. شوری می‌گرفتند، روضه‌ای برپا می‌کردند و می‌رفتند تا سال بعد. آن زمان که حاج حبیب‌ا... مبل‌ساز از آیت‌ا... طالقانی دعوت کرد بیاید هفته‌ای یک بار جلسات تفسیر قرآن برگزار کند، هیچ گمان نمی‌کرد دارد آرام آرام غبار از سر و روی یکی از پایگاه‌های مهم انقلاب در تهران می‌گیرد. مسجد کجا بود؟ نرسیده به چهارراه استانبول، در نزدیکی کاباره‌خانه‌ها و مشروب‌فروشی‌ها و سینماهای مهم شهر. هرچه مرکز تفریح و خوش‌گذرانی بود، جمعشان جمع بود. همان روزهای اول که سیدمحمود آمد چراغ مسجد را روشن کرد، عتیقه‌فروش روبه‌روی مسجد بعد نماز آمد ایستاد بغل گوش آیت‌ا... طالقانی گفت: «آسید، این همه مسجد توی این شهر راول کردی آمدی وسط بی‌نمازها، نماز می‌خوانی؟» سیدمحمود هم با همان طمأنینه و سعه‌صدر همیشگی لبخندی زد گفت: «عموجان! نمازخوان متدین که نمازش را می‌خواند. اینجا اگر بتوانم یک بی‌نماز را بکشانم توی مسجد، هنر کرده‌ام!» توی صف نمازهایش بیشتر از پیرهای نمازخوان قدیمی، جوان‌های دانشجوی امروزی بودند که در مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها برای خواندن دو رکعت نماز معذب می‌شدند و مجالی نبود چهار کلمه درباره عقاید مذهبی‌شان سؤال کنند، بحث کنند یا اصلاحرفی بزنند. مسجد هدایت داشت خانه امید آن‌هایی می‌شد که چکمه‌های خفقان حکومتی، راه گلویشان را بسته بود. پیش‌نماز این مسجد، وقت برای شنیدن آرای رنگارنگ و متفاوت، زیاد داشت. از فروشنده چراغ زنبوری‌های راسته خیابان تا محمد علی رجایی و اکبر رفسنجانی و محمدجواد باهنر، همگی رد مسجد هدایت را می‌گرفتند می‌آمدند جایی که نامش به راستی برازنده رسالتش بود. مسجد هدایت نه فقط پاتوق مبارزان انقلابی که پای ثابت مأموران حکومتی بود. از همان روزی که پایش به این مسجد باز شده بود یا دستگیر می‌شد یا ممنوع‌ازمنبر. ممنوع‌ازمنبر هم که می‌شد، به اصرار مردم یک جا گوشه حیاط مسجد می‌ایستاد نیم ساعت، یک ساعت، برایشان حرف می‌زد. آن سالی که خبر به آتش کشیده شدن مسجدالاقصی به دست رژیم غاصب صهیونیستی خشم مردم مسلمان را برافروخته بود، سید محمود طالقانی میان خطبه‌های نماز عید فطر پیشنهادی داد که برای مردم گرگرفته، آب روی آتش بود. پیشنهاد کرد حالا که یهودی‌های دنیا پشت اسرائیل ایستاده‌اند و کمک‌هایشان را حواله‌شان می‌کنند، ما هم فطریه‌هایمان را جمع کنیم بفرستیم برای مردم فلسطین. وقت جمع کردن فطریه‌ها، مهندس بازرگان که برای کمک به آیت‌ا... طالقانی آمده بود، آخر وقت می‌گفت: «حاج آقا، به چشم خودم دیدم مردم خیلی بیشتر از سهم فطریه‌شان پرداخت می‌کردند.» سال بعد اما اوضاع جوری دیگری بود. همین که آیت‌ا... به ورودی مسجد رسید، ماشین ژاندارمری آسیمه‌سر برابر پایش ایستاد. مردم با عصبانیت مداخله می‌کردند. سیدمحمود اما مثل همیشه آرام و خونسرد بود. بار اولی نبود که چشمش به مأموران می‌افتاد. زندان شده بود خانه دوم او. خودش آمد داخل مسجد. مردم را به آرامش دعوت کرد. گفت: «این آقا سید ابراهیم امین من است. فطریه‌هایتان را پرداخت کنید به او.» و بعد تسلیم مأموران ژاندارمری شد....

دوم/ زندان قصر

زندان شده بود شعبه دوم مسجد هدایت. جلسات تفسیر قرآن حتی زندانبان بند را هم متأثر کرده بود. صبح‌ها حوالی ساعت ۸ جلسه را آغاز می‌کرد. نیم بیشتر موهای سرش توی زندان سفید شده بود و با ۶۵سال سن، پیرترین زندانی رژیم بود. دکترها می‌گفتند فشار خون و مرض قند سلامتی‌اش را تهدید می‌کند، اما هیچ‌کس نمی‌گفت اندوه فروخورده‌اش، مثل یک توده سرطانی دارد روح و روانش را تسخیر می‌کند. دل‌شکسته از خون‌های ریخته شده و دلواپس روزهای پیش رو. توی زندان بود و جز همین جلسات عقیدتی دستش به جایی بند نبود تا بتواند قدمی بردارد. بارها مردم پادرمیانی کرده بودند حکمش شکسته بود، اما قدرت هنوز دست آن‌هایی بود که چشم دیدن او را نداشتند. نه خلاصی از زندان چاره‌اش بود نه مرگ. سیدمحمود جوری توی دل مردم ریشه دوانده بود که اگر مویی از سرش کم می‌شد، مردم دمار از روزگار حکومت درمی‌آوردند. مرگ او در زندان، آتش به انبار باروت بود. همان اوقات بود که یکی از وکلای صلیب سرخ آمده بود بازدید زندانی‌ها. شرایط آیت‌ا... طالقانی را که دیده بود گفته بود با این وضع جسمی، حکم ابد داده بودید بهتر بود! ساواکی‌ها به خودشان افتاده بودند توبه نامه‌ای از سیدمحمود بگیرند تا غائله برای خودشان ختم به خیر شود. اما توبه‌نامه، رسم مبارزان بزدل بود. در قاموس آیت‌ا... و هم‌لباسانش نمی‌گنجید برای حفظ آبروی پهلوی، تن به خفت توبه‌نامه بدهند. آبان ۱۳۵۷ به سرشان زد به مناسبت زادروز شاه حکم آزادی طالقانی را بدهند! زیربار نرفت. گفت می‌خواهم چند روزی در کنار هم‌بندی‌هایم باشم. سه چهار روز بعد که از زندان بیرون آمد، جمعیتی چندهزار نفری مشتاقانه به استقبالش آمدند و او را تا خانه‌اش همراهی کردند. خانه‌ای که پس از مسجد هدایت، یکی از پایگاه‌های انقلاب بود.

سوم/ خانه آقای چهپور

انقلاب اسلامی پیروز شده. آن خون دل‌های سیدمحمود طاقانی و دیگر مبارزان انقلابی به بار نشسته و حالا تمام دغدغه‌اش، حفظ آبرو و اعتبار مذهبی است که پشتوانه پیروزی انقلاب بود. هفت ماهی از جشن پیروزی می‌گذرد. سفیر شوروی آمده تهران با او ملاقات ویژه‌ای داشته باشد. خانه هفتادمتری آیت‌ا... در خیابان سمیه، جای مناسبی برای جلسات رسمی نیست. می‌رود منزل یکی از اقوام خود، آقای چهپور. جلسه که تمام می‌شود، اوضاع به نظر عادی می‌رسد. شامی صرف می‌کند و می‌رود که بخوابد اما در ناحیه قفسه سینه احساس ناخوشی می‌کند. آن شب نه خبری از راننده همیشگی‌اش بود، نه محافظش. پسرش در سفر به سر می‌برد و همسر و فرزندانش رفته بودند مشهد. ساعتی پس از استراحت بیدار می‌شود و با داروی خانگی آرام می‌گیرد. اهالی خانه می‌رسند بالای سرش. اما در آن نیمه‌های شب به طرز غریبی نه تلفن‌های خانه وصل بود که دکتر خبر کنند، نه آب خانه وصل بود که دو قطره آب به صورتش بپاشند. پزشک زمانی به بستری می‌رسد که کار از کار گذشته. ساعت حوالی ۰۱:۴۵ دقیقه شب است و تقویم در حالی که وارد نوزدهمین روز از شهریور سال ۱۳۵۸ شده، یک ایران بی‌خبر از کوچ ابدی «پدر طالقانی» در خوابند. صبح روز بعد سیدابراهیم همان امین همیشگی طالقانی فقید پله‌های نردبان چوبی مسجد هدایت را بالا می‌رود و در سردر ورودی مسجد قاب عکسی از آیت‌ا... طالقانی را به دیوار می‌کوبد که زیر آن نوشته: «او ابوذر زمانه بود».





اقامه نخستین نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به امامت آیت‌ا... طالقانی

طالقانی به دنبال تعلیمات اسلام بود

«مرحوم آقای طالقانی مستقیم بود، مستقیم فکر می‌کرد، مستقیم عمل می‌کرد. انحراف به چپ و راست نداشت. نه غربزده بود و نه شرقزده، اسلامزده بود، دنبال تعلیمات اسلام بود و برای یک ملت مفید بود و رفتنش ضایعه است {...} جوان‌های ما را تهی‌کردند از آنکه باید باشند، ما مکلفیم، همه‌مان مکلفیم، همه آقایان و همه خانم‌های محترم، مکلفیم که مردم را دعوت کنیم به راه مستقیم، به همان صراط الله، راه الله - که راه مستقیم است - و از انحراف‌ها جلوگیری کنیم. نه منحرف به آن طرف باشیم که دیکتاتوری به تمام معناست و نه منحرف به غرب باشیم که ظلم و ستم و به اسم «حقوق بشر» بردن همه حقوق بشر است».

بخشی از بیانات امام خمینی (ره) در تجلیل از شخصیت مرحوم آیت‌ا... طالقانی

روشنفکر دینی مبارز

«آقای طالقانی اهل فکر نو بر محور دین و با تمرکز بیشتر بر روی قرآن و نهج‌البلاغه [بود]؛ یعنی ایشان اصلا این جوری بود. لکن همه ابعاد شخصیت آقای طالقانی بعد روشن‌فکری دینی نیست. یک بعد مهم بعد مبارزه است. خیلی‌ها روشن‌فکر بودند اهل مبارزه نبودند، روشن‌فکر دینی هم بودند اهل مبارزه نبودند، {...} آقای طالقانی اهل عمل بود، یعنی توی میدان بود، احساس درد می‌کرد حقیقتا این را ما که با ایشان معاشر بودیم، رفت‌وآمد می‌کردیم، می‌دیدیم، محسوس بود در ایشان، واضح بود که آدمی اهل درد بود و می‌خواست مبارزه کند، لذا تبعات مبارزه را هم قبول کرد {...} گاهی از مشهد که من می‌آمدم، روزهای ملاقات می‌رفتم زندان قصر، از پشت میله‌ای صحبت می‌کردند، دائم روحیه می‌دادند.»

بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای ستاد نکوداشت آیت‌الله طالقانی در ۹ اسفند ۱۳۸۹.

تافته جدابافته

ائتلاف نچسب‌های قدرت و ثروت

درباره ایلان ماسک که این روزها به کارزار انتخاباتی ترامپ پیوسته



محمد عنبرسوز
روزنامه نگار

ایلان ماسک، کارآفرین و بنیان‌گذار متمول پروژه فضایی اسپیس‌اکس، شرکت تسلا و اکس کورپ که مدتی است نام شبکه اجتماعی توئیتر vh که به خاطر کامیابی از یک بازیگر هالیوودی پرحاشیه مالکش شد! به ایکس تغییر داده، بی‌وقفه مشغول ماجراجویی در حوزه‌های مختلف است و اخیرا نیز هوای عالم سیاست به سرش زده. خرید توئیتر به قیمت ۴۴ میلیارد دلار، نقطه عطفی در مسیر بلندپروازی‌های ماسک به حساب می‌آمد. تغییر نام و تغییرات اساسی دیگر در توئیتر، با مخالفت‌های جدی روبه‌رو شد و کاربران نارضایتی خود از تغییرات را اعلام کرده‌اند. علاوه بر این، شرکت‌های فناوری بزرگی نظیر مایکروسافت و متا که خود صاحب حقوق مالکیت معنوی برنام «X» می‌دانند، نسبت به این اقدام واکنش نشان دادند و یک مجادله حقوقی را آغاز کردند.

ماسک هنوز از رؤیای ایجاد یک نرم‌افزار همه‌کاره که تمامی خدمات دیجیتالی ممکن از پرداخت‌های مالی و سفارش غذا گرفته تا تاکسی آنلاین و خدمات بانکی را در یک بستر واحد ارائه دهد، فارغ نشده بود که به سمت عالم سیاست تغییر مسیر داد. او مردی با سندرم فعالیت‌های بی‌قرار است و تمایل دارد که به هر حوزه‌ای سرک بکشد.

حمایت از مرد دیوانه

اخیرا حمایت ایلان ماسک از دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به یکی از مهم‌ترین خبرهای جهان تبدیل شده است. گفته می‌شود که ماسک وعده کمک مالی ماهیانه ۴۵ میلیون دلار به پویش انتخاباتی ترامپ داده است. اقدام ایلان ماسک در حمایت از یکی از جنجالی‌ترین سیاست‌مداران تاریخ، نگرانی‌ها و حواشی زیادی را به دنبال داشته است. مهم‌ترین سؤال افکار عمومی این است که آیا ماسک به دنبال حفظ منافع شخصی در صورت بازگشت ترامپ به قدرت است یا او با این اقدامات می‌خواهد مسیرش برای نقش‌آفرینی در عرصه‌ای تازه را هموار کند؟



اینترنتی برای همه و ماشینی که راه نمی‌رود

پروژه استارلینک، نام یکی دیگر از ایده‌های بلندپروازانه ماسک، با هدف ارائه اینترنت به نقاط دورافتاده و کم‌برخوردار جهان است. اما این پروژه با انتقادهایی به دلیل تأثیرات منفی آن بر محیط زیست و فضای مداری روبه‌رو شده است. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که اینترنت ماهواره‌ای استارلینک می‌تواند تهدیدی برای حریم خصوصی کاربران باشد و حتی در محیط‌های خانگی، به‌ویژه برای کودکان، مشکلاتی ایجاد کند. همچنین، افزایش ترافیک فضایی و آلودگی نوری ناشی از این ماهواره‌ها، به تحقیق‌های علمی و محیط زیست آسیب‌های جدی زده است.

پروژه ماهواره‌های استارلینک به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع آسیب به جو زمین شناخته می‌شود. این ماهواره‌ها نه تنها باعث آلودگی نوری و اختلال در تحقیقات نجومی شده‌اند، بلکه با افزایش ترافیک فضایی، خطر برخورد و مشکلات محیط زیستی بیشتری را نیز به وجود آورده‌اند. این نگرانی‌ها، اهمیت یافتن راه‌حل‌های پایدارتر برای استفاده از فضا و حفظ محیط زیست را بیش از پیش نمایان می‌کند.

متهم چند پرونده

ایلان ماسک با اتهام‌های متعددی روبه‌روست. در اروپا، شکایت‌های زیادی علیه او به دلیل سوءاستفاده از داده‌های خصوصی کاربران مطرح شده است که برخی از این پرونده‌ها هنوز به سرانجام نرسیده‌اند. از سوی دیگر، در خبرها آمده که ماسک وعده ساخت ماهواره‌های جاسوسی برای دولت آمریکا را، در صورت پیروزی دونالد ترامپ، داده است. این موضوعات، سؤالاتی جدی را درباره اهداف واقعی ماسک به وجود آورده است. آیا او در تلاش است تا مرزهای جدیدی بین سرمایه‌داری و سیاست تعریف کند یا اهداف پیچیده‌تری در ذهن دارد؟

تسلا هم تسلی نبود!

با وجود موفقیت‌های جسته گریخته و شهرت پردامنه‌ای که ایلان ماسک برای خودش دست و پا کرده است، او تجربه‌های تلخی را نیز از سر گذرانده که موضوع خودروهای تسلا یکی از آن‌هاست. تسلا با مشکلات متعددی از جمله کیفیت ساخت و مسائل ایمنی، روبه‌رو شده که به زیان‌های مالی سنگینی برای این شرکت منجر شده است. این شکست‌ها نشان می‌دهند که برخی اوقات ایده‌های بلندپروازانه به واقعیت نمی‌رسند.

واضح است که ایلان ماسک تلاش می‌کند تا در تمامی زمینه‌ها، از هوا-فضا و خودرو تا سیاست و جاسوسی، ردپایی از خود را به جا بگذارد. او می‌تواند یک نابغه باشد که با دیدگاه‌های نوآورانه‌اش دنیای جدیدی را شکل می‌دهد، یا فردی که در پی ماجراجویی‌های مکرر خود، مرزهایی غیرقابل پیش‌بینی را تجربه می‌کند و تردیدی وجود ندارد که او همواره از ایجاد جنجال و حاشیه استقبال می‌کند.